



مقدمه

ای خداوند قادر و یکتا
نور علم تو گر به ما نرسد
وی قدیم و عظیم و بی‌همتا
کوشش ما به هیچ جا نرسد

ادبیات عرصه‌ای است به پهنای سطح سیاره‌ی زمین که از آغاز حیات اجتماعی اقوام ملل مختلف شروع شده و تا انقراض عالم ادامه خواهد یافت. در عین حال آینه‌ی تمام‌نمایی است که اوضاع فکری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آداب و رسوم هر دوره و عصری را باز می‌تاباند.

نگاهی به متون مختلف ادبیات فارسی، نشانگر این واقعیت است که نیاکان ما، به حفظ هویت ایرانی و پاسداری از آیین اهورایی پای‌بند بوده و بعد از تشرّف به آیین انور احمدی (ص) مبانی اسلامی را زیربنای فکری و فرهنگی خود قرار داده و مسایل فرهنگی را بر این پایه پی‌ریزی کرده‌اند.

با مطالعه‌ی آثار گران‌سنگ دوران پیشین، از زمان رودکی سمرقندی تا فراگیر شدن سبک خراسانی، و با بررسی روند کلی آثار منشور و منظوم، اهداف نویسندگان و متفکران بر ما روشن می‌شود.

شاهنامه که یک اثر حماسی بی‌نظیر در تمام طول تاریخ بشریت است از وجود قهرمانانی خبر می‌دهد که نام‌هایشان بر تارک تاریخ می‌درخشد. همه‌ی مردان و زنان شاهنامه، متّصف به صفات والای انسانی هستند و مظهر شجاعت و شهامت.

گلستان سعدی با شیوه‌ای نو مفاهیم ایمانی، اعتقادی و اخلاقی را بیان کرده و برخلاف اسلاف خود نقد را جایگزین مدح کرده است. سعدی علیه‌الرحمه با آثار خود جام جهان‌نمایی به

دست اخلاف خویش سپرده که بدون شک تا ادبیات باقی است نام او را زنده نگه خواهد داشت. همچنین باید از حافظ، ابن عارف فرزانه، که ریاکاری و ظاهرسازی را به نقد می‌کشد و مولانا جلال‌الدین که پله‌های عروج تا ملاقات با خدا را در پیش روی انسان می‌گستراند نام برد. اگر با دید وسیع به آثار کهن ادب فارسی بنگریم اوضاع فکری، اعتقادی، فرهنگی، اخلاقی و حتی سیاسی کلیه‌ی جوامع پیشین را از لابه‌لای آثاری چون تاریخ بیهقی، چهارمقاله، منطق‌الطیر، کلیله و دمنه، گلستان و ... در خواهیم یافت.

امید فراوان می‌رود که پژوهشگران و روشنفکران معاصر نیز جوانان ما را با دیدگاه‌های رذیلت‌ستیز و فضیلت‌ستا آشنا ساخته و کاری کنند تا پیوند نسل حاضر با آثار ادبی گذشتگان، که سبب تداوم بخشیدن به هویت ایرانی - اسلامی ما خواهد بود، حفظ شود.

● شیوه‌ی مطلوب تدریس

۱- به طوری که گفته شد آثار ادبی گذشتگان همانند گنجینه‌های نفیس و پرارزشی هستند که ممکن است جوان امروزی ما از وجود آن اطلاع نداشته و یا اهمیت و ارزش آن را نداند. پس بر همکاران محترم فرض است تا ابتدا ذهن دانش‌آموزان و هنرجویان را به این امر معطوف کرده و با استفاده از تجربیات خود درهای معرفت و شناخت فرهیختگان و نویسندگان گذشته را فراروی این بویندگان و جویندگان بگشایند.

۲- برای توفیق دانش‌آموزان در امر یادگیری، لازم است دبیران محترم ابتدا متن درس را یک بار قرائت کرده و سپس به زبان ساده بیان داشته و اجازه دهند مفاهیم موجود در متن توسط خود دانش‌آموزان صیقل خورده و استخراج گردد. زیرا این امر سبب درک و فهم بیشتر شده و موجب التذاذ معنوی دانش‌آموزان خواهد بود.

۳- توضیح و تشریح کلمه به کلمه‌ی متون کتاب حاضر توصیه نمی‌شود. بهتر است به ملاک‌های کلی بسنده کرده، اجازه داده شود تا هنرجویان از چشمه‌ی زلال و جوشان این آثار سیراب شوند.

۴- تقسیم‌بندی دروس با در نظر گرفتن ساعات درسی، فعالیت‌های کلاسی تدوین گردیده است. لکن دبیران ارجمند می‌توانند به شرط عدم خروج از محتوی درس، تقسیم‌بندی دلخواه را انجام دهند.

۵- با عنایت به امر پژوهش بر آن شدیم تا در انتهای هر درس بخشی را به این امر اختصاص دهیم. لذا همکاری دبیران معزز سبب خواهد شد دانش‌آموزان علاوه بر کار در کلاس به تحقیق و مطالعه‌ی آثار نویسندگان و خلاصه‌نویسی آن‌ها پردازند.

۶- چون کتاب حاضر جهت استفاده‌ی رشته‌های هنری مهیا گردیده، سعی شود در هنگام تدریس از وسایل کمک آموزشی مانند موسیقی، فن بیان، شیوه‌های نمایشی و ... استفاده گردد زیرا که این امر سبب حضور لحظه‌به‌لحظه و دایمی هنرجویان در کلاس خواهد بود.

کتاب حاضر در جهت پاسداری از یادگارهای ادبی پیشینیان، شناساندن اندیشمندان ایران و جهان، بی‌بردن به توانایی ذهنی و علمی آن‌ها و به امید راه‌یافتن به اصالت‌های فرهنگی و هنری تدوین گردیده است.

● ساختار کتاب

۱- کتاب حاضر به هفت فصل تقسیم شده که هر فصل اساسی‌ترین مراحل تاریخی ادبیات ایران و جهان را شامل می‌شود.

۲- در ابتدای هر فصل علاوه بر طرح اهداف کلی فصل، درآمدی نیز آورده شده تا زمینه‌ی درک و فهم مطالب بهتر فراهم شود.

۳- در انتخاب نمونه‌های ادبی تلاش گردیده متونی برگزیده شود که علاوه بر زیبایی، پختگی و سادگی، مفاهیم والای ارزش‌های انسانی و اخلاقی را نیز دربر داشته باشد.

۴- به‌خاطر آشنایی خواننده با صاحبان آثار ادبی، در ابتدای هر اثر، تاریخ زندگانی صاحب اثر به‌صورت خیلی خلاصه آورده شده است، تا ضمن آشنایی، سیر تاریخی مطالب نیز حفظ گردد.

۵- در پایان هر فصل سؤالاتی تحت عنوان «خودآزمایی» طرح گردیده که با رهنمودهای دبیران محترم، هنرجویان خواهند توانست بیش‌تر به زوایای پنهان اثر پی برده و با کشف مفاهیم مستتر در آن لذت برند.

۶- در این درس سعی شده نقش محوری به دانش‌آموز و هنرجو سپرده شود و دبیران محترم راهنمایی‌های لازم را انجام داده و استنتاج نهایی را به عهده گیرند.

۷- واژه‌نامه‌ی پایانی کتاب تنها به بیان معنی بعضی از لغات پرداخته و بقیه را به عهده‌ی هنرجویان و دبیران محترم وانهاده است. این امر موجب تقویت روحیه‌ی پژوهش و تحقیق خواهد شد.

۸- به منظور تقویت حس زیبایی‌شناسی و کاستن از ثقل مطالب، برخی از صفحات کتاب با عکس‌های رنگین آراسته شده است.

۹- به‌خاطر دسترسی سریع به منابع، فهرست آن‌ها در پایان هر فصل آورده شده است.

۱۰- با توجه به این‌که کتاب حاضر، همراه با کتب ادبیات مربوط به این دوره تدریس می‌شود، لذا از طرح مبحث زبان و اصول و قواعد مربوط به آن، ریشه‌یابی لغات و پاره‌ای از مباحث غیرضروری خودداری گردید.

۱۱- به جهت انبساط خاطر هنرجویان و ایجاد تنوع بیش‌تر، کلمات قصار بزرگان و همین‌طور مطالب طنز و اخلاقی نیز تحت عنوان «نکته»، «طنز» و یا «حکایت» در انتهای هر فصل گنجانده شده است تا ضمن تغییر و تنوع موضوع سبب رسوب برخی از مطالب اخلاقی در ذهن هنرجو گردد.

هدف کلی

آشنایی با نمونه‌های نظم و نثر ادبیات کهن ایران و جهان تا حدودی که تشخیص نوع پرداخت و مضامین دوره‌های مهم تاریخ ادبیات کهن ایران و جهان ممکن گردد.

فصل اوّل

دوره‌ی زبان‌ها و ادبیّات ایران باستان

اهداف کلی فصل

- ۱- آشنایی با خواجه عبدالله انصاری و نوع نثر او در مناجات‌نامه
- ۲- آشنایی با اقوام اولیه ایران و ادبیّات آن دوران
- ۳- آشنایی با نمونه‌های نثر قبل از اسلام
- ۴- آشنایی با ادبیّات دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی
- ۵- آشنایی با اندیشه و باورهای مردم این

دوران

- ۶- تجربه‌اندوزی از گنجینه‌های علمی و

ادبی این دوران

- ۷- توانایی انجام فعالیت‌های یادگیری



مناجات



خواجه عبداللّه انصاری از دانشمندان و عارفان قرن پنجم هجری است که در هرات متولد شد.

از آثار معروف او الهی‌نامه، زادالعارفین، مناجات‌نامه و رساله‌ی دل و جان را می‌توان نام برد.

مناجات‌های خواجه عبدالله مملوّ از مضامین عرفانی بوده و به صورت نثر مسجّع و بسیار لطیف و دل‌نشین بیان شده است. خواجه در سال ۴۸۱ ه.ق. در هرات بدرود حیات گفت.

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی
دیوانه‌ی تو هر دو جهان را چه کند

ای کریمی که بخشنده‌ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده‌ی خطایی، و ای احدی که در ذات و صفات بی‌همتایی و ای خالقی که راهنمایی و ای قادری که خدایی را سزایی، به ذات لایزال خود و به صفات با کمال خود و به عزّت و جلال خود و به عظمت جمال خود (۱) که جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده و چشم ما را ضیای خود ده و ما را آن ده که آن به.

الهی اگر به دوزخ فرستی دعوی دار نیستم، و اگر به بهشت فرمایی بی جمال تو خریدار نیستم. مطلوب ما برآر که جز وصال تو طلبکار نیستم.

الهی روزگاری تو را می‌جستم خود را می‌یافتم، اکنون خود را می‌جویم و تو را می‌یابم (۲)
الهی اگر خامم پخته‌ام کن، و اگر پخته‌ام سوخته‌ام کن.

الهی اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است* (۳).

سخن کوتاهی درباره‌ی ایران و شکل‌گیری تاریخ آن

واژه‌ی «ایران» اسم مکان است، به معنی زیستگاه ایرانیان. اطلاق نام «ایران» به سرزمینی که ما در آن زندگی می‌کنیم از سه هزار سال پیش صورت گرفته است، یعنی از هنگام ورود «آریایی‌ها» به این سرزمین، بنابراین نمی‌دانیم که پیش از آمدن آریایی‌ها ایران چه نام داشته است.

آریایی‌ها، شاخه‌ای از قوم هند و ایرانی هستند و آن خود شاخه‌ای از قوم بزرگ و مفروض هند و اروپایی است. این اقوام در سده‌های پایانی هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد، از سکونت‌گاه اصلی خود که در مناطق سیبری قرار داشت، برای دستیابی به زیستگاه بهتر، زمین‌های حاصل خیزتر و آب و هوایی مناسب‌تر، به داخل آسیا مهاجرت کردند. در همان آغاز گروهی از آنان به سوی اروپا رفتند که به آنان «هند و ژرمنی» یا «هند و اروپایی» گفته می‌شود و نیمی دیگر به طرف جنوب آمدند که به اینان «هند و ایرانی» اطلاق شده است. از این گروه قبایلی به شبه قاره‌ی هند رهسپار شدند که اقوام «هندی» را تشکیل دادند و بقیه به فلات ایران وارد شدند که به نام «آریایی» یا «ایرانی» خوانده شدند.

بنابه نقل هرودت، مورخ یونانی، در کتاب بزرگ خود «تواریخ»، نام تعدادی از اقوام ایرانی عبارت بود از: مادها، پارس‌ها، سکاها، پرن‌ها، پرتوها و ... که از این میان، مادها در نواحی آذربایجان و اصفهان و ری و همدان ساکن شدند و توانستند در اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد، نخستین حکومت را در این سرزمین بنیان بگذارند. در اواسط هزاره‌ی اول پیش از میلاد، پارس‌ها در جنوب و کناره‌های دریای جنوبی فلات اقامت گزیدند و نام خود را به این سرزمین دادند که نام سرزمین پارس یا فارس و همچنین نام دریای جنوبی، یعنی دریای فارس یا خلیج فارس، یادگار همان ایام است. پارس‌ها دومین حکومت گسترده را در ایران پدید آوردند و با افزودن سرزمین‌هایی در شرق و غرب، که از دره‌ی سند تا شمال آفریقا را شامل می‌شد، شاهنشاهی خود را توسعه بخشیدند. بدین گونه زبانی هم که اینان بدان گفت‌وگو می‌کردند «پارسی» و بعدها فارسی نامیده شد که زبان امروز

* این نمونه‌ای از نثر مسجع است که در مناجات خواجه عبدالله انصاری بیش تر به چشم می‌خورد.

مردم ایران دنباله و صورت تحوّل یافته‌ی همان زبان است. چون بنیان‌گذار یا بزرگ قبیله‌ی پارس‌ها، هخامنش نام داشت، پادشاهان این سلسله خود را هخامنشی خواندند که حکومت آنان تا سال ۳۳۰ ق.م در این سرزمین‌ها بر جا بود. بنابر نوشته‌ی داریوش بزرگ در بیستون، هخامنشیان ۲۸ ایالت را تحت سیطره‌ی خود داشتند.

ادب و ادبیات

ادب: واژه‌ی ادب، واژه‌ای فارسی است و از ریشه‌ی دَب آمده است. واژه‌های دبیر، دبستان، دبیرستان و ... از این ریشه است. در فرهنگ لغات برای این واژه معنی‌های گوناگونی نوشته‌اند و بیش‌تر آن را مترادف با دانش و فرهنگ دانسته‌اند و علم ادب را به معنی آشنایی با فن‌هایی دانسته‌اند که به وسیله‌ی آن‌ها، انسان می‌تواند راه بازشناختن خوب را از بد و درست را از نادرست فراگیرد. این فن‌ها را چنین نام برده‌اند: «لغت، صرف، نحو، اشتقاق (دستور زبان)، معانی، بیان، بدیع، عروض، قافیه، خط، انشا، تاریخ و ...» (دایرةالمعارف مصاحب)

تاریخ ادبیات

تاریخ ادبیات عبارت است از بیان و بررسی تحولات ادبی و هنری و فکری که در طول حیات ملّتی رخ داده، آثاری که به زبان یا زبان‌های آن‌ها نوشته شده، شرح حال پدیدآوردندگان آن آثار و بیان و بررسی نوع هنرها یا فنون به‌کار رفته در آن‌ها.

ادبیات ایران

زبان و ادبیات ایران از زمان به‌وجودآمدن سرزمینی به نام «ایران» سه دوره یا سه مرحله‌ی تاریخی را پشت سر گذاشته است:

۱- دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی باستان (از هنگام تشکیل دولت ماد تا پایان هخامنشیان- یعنی از اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد تا ۳۳۰ قبل از میلاد)

۲- دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی میانه (از پایان حکومت هخامنشیان تا پایان ساسانیان ۳۳۰ ق.م - ۶۳۶ م)

۳- دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی نو (از هنگام استیلای عرب و در حقیقت قرن سوم و چهارم هجری به بعد)

توضیحات

- ۱- صفات خداوند تبارک و تعالی را به دو دسته‌ی عمده تقسیم کرده‌اند که عبارت است از صفات جلالیه و جمالیّه که هر کدام خود مجموعه‌ای از صفات لایزال خداوند را شامل می‌شود. در این جا خواجه به جمیع صفات خداوند سوگند یاد می‌کند.
- ۲- هر کس که خود را شناخت، خدای خود را شناخته است.
- ۳- خدایا اگر هم مجرم هستم از دوستان هستم و طالب بخشش و عفو.

خودآزمایی

- ۱- نثر آغازین کتاب چه نوع نثری است؟
- ۲- منظور از جمله‌ی «اگر به بهشت فرمایی بی‌جمال تو خریدار نیستم» چیست؟
- ۳- نمونه‌ی دیگری از مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را در کلاس بخوانید.
- ۴- آریایی‌ها از چه قومی بودند؟
- ۵- سه قوم از اقوام اولیه‌ی ایران را نام ببرید.
- ۶- تاریخ ادبی ایران به چه دوره‌هایی تقسیم می‌شود؟

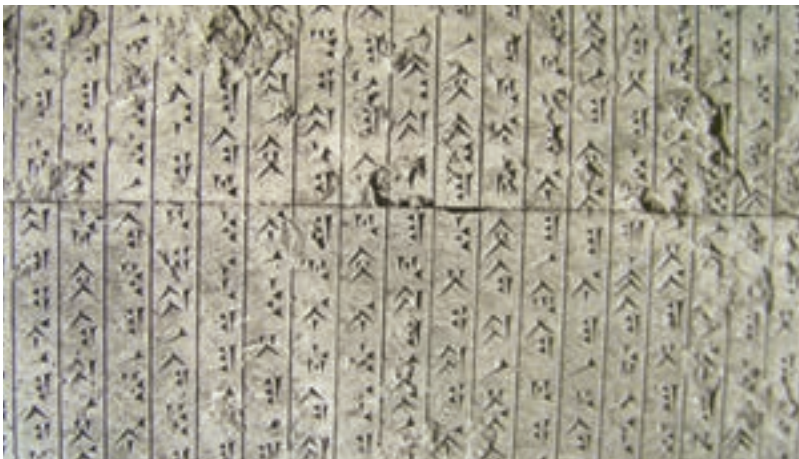
دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی باستان و نمونه آثار بازمانده از آن دوران

در این دوره، چهار زبان وجود دارد که عبارت‌اند از زبان‌های سکایی، مادی، فارسی باستان و اوستایی. نام هریک از سه زبان‌ها اول منتسب به نام اقوامی است که به آن زبان‌ها تکلم می‌کردند و زبان چهارم، یعنی زبان اوستایی، زبان دینی مردم ایران و منتسب به کتاب اوستا، کتاب مقدس پیامبر ایرانی زردشت است.

در بین زبان‌های باستانی ایران، تنها زبان فارسی باستان خط و نوشتار داشت و آثاری از آن باقی مانده است. بیش‌ترین آثار به خط فارسی باستان و شامل نوشته‌ها و فرمان‌های شاهان هخامنشی و اکثراً مطالب سیاسی – تاریخی است که از این جهت بسیار ارزشمند است ولی فاقد ارزش ادبی به معنای خاص آن می‌باشد.

خط زبان فارسی باستان را خط میخی خوانده‌اند زیرا حروف الفبای آن از کنار هم قرارگرفتن نشانه‌هایی که شکل می‌خاند پدید آمده است.

خط میخی برگرفته از خط میخی عیلامی و بابلی (همسایگان غربی ایران) و صورت تکامل یافته‌ی آن‌ها بوده است. مهم‌ترین آثار بازمانده از خط و زبان فارسی باستان عبارت‌اند از: لوحه‌ی زرین آریارمن، لوحه‌ی زرین آرشام و کتیبه‌ی کورش در پاسارگاد. منشور یا فرمان کورش کبیر، کتیبه





داریوش بزرگ در بیستون، کتیبه‌های داریوش در تخت جمشید و نقش رستم، و شوش، الواح به دست آمده در مصر، کتیبه‌ی گنج‌نامه‌ی همدان، کتیبه‌های خشایارشا در تخت جمشید و شوش و گنج‌نامه در وان و نیز لوح سنگی او، کتیبه‌ی اردشیر اول در تخت جمشید، کتیبه‌ی داریوش دوم در شوش، کتیبه‌ی اردشیر سوم در شوش و لوح زرین او

در همدان و کتیبه‌ی وی در گنج‌نامه‌ی همدان، بالاخره کتیبه‌های آرامگاه‌های اردشیر سوم و داریوش کبیر و اردشیر سوم در تخت جمشید.

بزرگ‌ترین کتیبه‌های فوق مربوط به داریوش، در کوه بیستون (بغستان) است که در آن جریان طغیان گئوماتا و غلبه‌ی داریوش بر او یاد شده و نام کشورهای تابعه نیز در آن آمده است. اغلب این کتیبه‌ها با ستایش «اهورامزدا» آغاز می‌گردد. این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که ما ایرانیان از سه هزار سال پیش، مردمی موحد و خداشناس بوده‌ایم.

ترجمه‌ی نمونه‌ای از کتیبه‌های شاهان هخامنشی چنین است :

«خدای بزرگ [است] اهورامزدا، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید و شادی را برای مردم آفرید، که داریوش را شاه کرد. یک شاه از بسیاری، یک فرماندار از بسیاری...»
(از کتیبه‌ی داریوش کبیر در نقش رستم)

درباره‌ی این که چرا آنان هخامنشی خوانده شده‌اند، داریوش کبیر در کتیبه‌ی بزرگ خود در بیستون می‌گوید :

«من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورها، پسر ویشتاسب، نوه‌ی ارشام هخامنشی، داریوش شاه گوید : پدر من ویشتاسب، پدر ویشتاسب ارشام، پدر ارشام اریارمن، پدر اریارمن چیش پیش، پدر چیش پیش هخامنش [بود]. داریوش شاه گوید بدین جهت ما هخامنشی خوانده می‌شویم...»

لازم به یادآوری است که غیر از خط میخی پارسی که کتیبه‌ها با آن نوشته می‌شده و در حقیقت خط و زبان ملی و رسمی بوده، در آن زمان خط میخی دیگری نیز به زبان آرامی در ایران وجود داشته که نوشتن آن آسان‌تر از خط میخی پارسی بوده است. خط میخی عیلامی هم در دستگاه‌های دولتی هخامنشیان رایج بوده است که از نمونه‌های بازمانده‌ی آن در حفاری‌های باستان‌شناسی تخت جمشید طی سال‌های ۱۳-۱۳۱۲ شمسی حدود ۴۰۰۰۰ لوحه‌ی گلی یافت شد که مربوط به بایگانی دیوانی زمان داریوش بزرگ می‌باشد.

اوستا و زبان اوستایی

چنان‌که گفته شد، زبان اوستایی منسوب است به اوستا، کتاب مقدس زردشت پیامبر ایرانی. این زبان همواره به‌عنوان یک زبان دینی از زمان زردشت (حدود ۱۲۰۰ تا ۸۰۰ قبل از میلاد) مورد استفاده بود، لذا زبانی باستانی و مربوط به دوره‌ی ایران باستان می‌باشد. باید دانست که اوستا برای قرن‌ها مکتوب نبود و مطالب و دستورات آن سینه به سینه در میان زردشتیان انتقال یافت تا این که در دوره‌ی زبان‌های ایرانی میانه، یعنی زمان ساسانیان، احتمالاً در دوران اردشیر بنیان‌گذار سلسله‌ی ساسانی و یا شاپور اول، از همین سلسله، به رشته‌ی تحریر درآمد.

متن اوستای کهن شامل بیست و یک نسک یا جلد بوده است که به مرور زمان در اثر حوادثی که در تاریخ ایران پیش آمده، بسیاری از آن از بین رفته است. اوستای موجود تنها بخشی از اوستای کهن و شامل پنج کتاب است به نام‌های:

۱- یسنا: که شامل ۷۲ فصل است و هر فصل آن «هات» یا «ها» نامیده می‌شود. مهم‌ترین بخش یسنا «گاهان هفده‌هات» می‌باشد که کهن‌ترین بخش اوستا و سروده‌های خود پیامبر زردشت نیز هست.

۲- ویسپرد: (یعنی همه‌ی بزرگان دین) که شامل ۲۴ فصل یا «کرده» است و هر کرده خود شامل بندهایی است.

۳- یشت‌ها: (یعنی نیایش‌ها) که شامل ۲۱ «یشت» است.

۴- وندیداد: (یا: وی دیوداد، یعنی قوانین ضد دیو) که شامل ۲۲ «فرگرد» یعنی فصل است.

۵- خرده اوستا: (یعنی اوستای کوچک) که خلاصه‌ای است از اوستای دوره‌ی ساسانی که به‌وسیله‌ی موبد بزرگ زمان شاپور دوم (۳۹۰-۳۷۹ م) به‌وسیله‌ی آذرباد مهر اسپندان، گردآوری و نوشته شده است.

اهمیت اوستا

اوستا افزون بر آن که کتاب مقدس دینی ایرانیان باستان و زردشتیان امروز و دارای دستورالعمل‌های اخلاقی و دینی است، از نظر ادبیات کهن ایرانی، دربر دارنده‌ی مطالب مهمی از باورهای کهن ایرانیان و اساطیر ایران، شامل عقیده‌ی آنان نسبت به آفرینش و مرگ و رستاخیز و غیره است. همین مطالب بعدها سبب پیدایش افسانه‌ها و حماسه‌های ملی ایرانیان شده است که مهم‌ترین آن‌ها، خدای‌نامه‌ها و بهمن‌نامه و غیره و از همه مهم‌تر شاهنامه‌ی فردوسی گردیده است.

از این اساطیر، چنین برمی‌آید که پیش از تشکیل دو سلسله‌ی پادشاهی ماد و هخامنشی، دو سلسله‌ی پادشاهی دیگر در ایران اصلی یا «ایرانویج» وجود داشته است که اولی «پیشدادیان» (یعنی نخستین قانون‌گذاران) بوده‌اند که پایه و اساس تمدن را در این سرزمین بنیان نهاده‌اند. نام شاهان این سلسله بدین‌گونه برشمرده شده است: کیومرث (که بنابراین باورها، نخستین انسان و نخستین شاه بوده). هوشنگ، تهمورث، جمشید، ضحاک، فریدون، منوچهر، نوزر، افراسیاب، زو و گرشاسب که جمعاً حدود ۲۵۰۰ سال سلطنت کرده‌اند. سلسله‌ی پادشاهی اساطیری دیگر «کیانیان» بوده‌اند که به ترتیب پادشاهان آن سلسله عبارت بوده‌اند از: کی قباد، کی کاووس، کی خسرو، کی لهراسب، کی گشتاسب، بهمن، همای، داراب و دارا؛ که دارا یا دارای دارایان به دست اسکندر مقدونی مغلوب و کشته شده است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود وقایع پایان سلسله‌ی اساطیری کیانیان با وقایع پایانی سلسله‌ی پادشاهی تاریخی هخامنشیان درهم شده است.

در اوستا به مسئله‌ی آفرینش موجودات نیز پرداخته شده است بر این اساس، اهورامزدا خدای آفریننده‌ی همه‌ی موجودات نیکوی جهان است، لکن همواره مورد تعرض اهریمن، که موجودی فناپذیر است و همراه اهورامزدا به وجود آمده می‌باشد، لکن در سرانجام جهان، اهریمن نابود می‌شود و اهورامزدا و آفریده‌های او باقی خواهند ماند تا رستاخیز صورت گیرد. بنابراین باورها ظهور زردشت در زمان سلطنت کی گشتاسب اتفاق افتاده است.

اوستا، یکی از آثار بسیار برجسته‌ی فرهنگ ایرانی و بشری است که به باورها و آیین‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی و نیز اساطیر کهن ایرانی پرداخته است. این کتاب به اکثر زبان‌های زنده‌ی دنیا و نیز به زبان فارسی ترجمه شده است. اصل اوستا در روزگار کهن به صورت شعر هجایی بوده است. نوشتن و کتابت اوستا، چنان‌که اشاره شد حداقل با هزار سال فاصله از زمان پیدایش آن، در دوران ساسانیان صورت گرفت و خط آن خطی بود که از الفبای فارسی میانه (پهلوی) اخذ شده و کامل گردیده بود و می‌توان گفت که کامل‌ترین خط ایرانی در طول تاریخ بوده است.

هخامنشیان سه پایتخت مهم به نام‌های تخت جمشید، شوش و همدان داشتند که در فصول مختلف سال از آن‌ها استفاده می‌کردند. پس از آن که اسکندر مقدونی به ایران تاخت و حکومت تضعیف شده‌ی هخامنشیان را در سال ۳۳۰ ق م برانداخت، مدتی (حدود ۹۰ سال) جانشینان او به نام سلوکیان در ایران حکومت کردند اما با تمام کوششی که برای از بین بردن فرهنگ ایرانی کردند به این کار موفق نشدند. سرانجام قوم پرتوئه‌ها (پارت‌ها) آنان را از ایران راندند و دوباره حکومتی ایرانی و ملی در این سرزمین به وجود آوردند. پارت‌ها را به مناسبت نام بنیان‌گذار آن - ارشک یا اشک - اشکانی خوانده‌اند. دولت اشکانیان هرچند به گستردگی شاهنشاهی هخامنشی نبود، اما دوباره نام ایران و ایرانی را در جهان آن روز مطرح کرد. پارت‌ها حدود ۴۷۵ سال (یعنی تا سال ۲۲۶ میلادی) سلطنت کردند و از نو فرهنگ و هنر و زبان‌های ایرانی را رونق بخشیدند و به حق مجد و عظمت دیرین را زنده ساختند. در تداوم این اوضاع، ساسانیان که قبیله‌ای پارسی بودند با برانداختن اشکانیان حکومت را به دست گرفتند (در سال ۲۲۶ م) تا این که در سال ۶۳۶ میلادی که با ضعف حکومت مرکزی، مورد تعرض همسایگان غربی ایران که با ظهور و طلوع دین اسلام قدرت یافته بودند، قرار گرفتند. در این ماجرا چون عامه‌ی مردم ایران از حکومت خود رضایت نداشتند و فشارهای سیاسی و مذهبی حاکم بر آنان دیگر قابل تحمل نبود، مقاومتی از خود نشان ندادند و بدین طریق شاهنشاهی ساسانی منقرض گردید. با ورود دین مبین اسلام به کشور ما ایرانیان به اسلام گرویدند و دوران تازه‌ای در این سرزمین شکل گرفت که با دگرگونی‌هایی تا به امروز ادامه دارد.

نکته

دشمنان تو بهترین راهنمایان تو‌اند.
زیرا دشمن عیب تو را می‌گوید و در رفع آن می‌کوشی،
ولی دوست تو آن‌را می‌پوشاند و عیب بر تو می‌ماند.

ابوحیان توحیدی

خودآزمایی

- ۱- ثر قبل از اسلام به چند دوره تقسیم شده است؟
- ۲- اکثر نوشته‌ها و فرمان‌های زمان هخامنشیان در چه موردی است؟
- ۳- از کتیبه‌های به‌جامانده‌ی دوره‌ی هخامنشی چه نکات اخلاقی را متوجه می‌شویم؟
- ۴- ایرانیان در زمان هخامنشیان به چه زبانی سخن می‌گفتند؟
- ۵- نام پایتخت‌های هخامنشیان را ذکر کنید.
- ۶- مهم‌ترین محل ثبت الواح داریوش را نام ببرید.
- ۷- اوستا متشکل از چند کتاب است و نام آن کتب چیست؟
- ۸- نیروهای خیر و شر موجود در اوستا را نام ببرید.
- ۹- نخستین بار چه کسی به جمع‌آوری اوستا دست زد؟

دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی میانه و نمونه‌ی آثار بازمانده از آن دوران (حدود ۲۲۶ ق م — ۶۳۶ میلادی)



زبان‌های ایرانی میانه که از پایان حکومت سلوکیان تا قرن سوم هجری ادامه یافت شامل زبان‌های گوناگونی می‌شود. (البته برخی از این زبان‌ها تا قرن هفتم هجری نیز ادامه داشته‌اند، مانند زبان خوارزمی)

این زبان‌ها از نظر موازین زبانی و ناحیه‌ی جغرافیایی مربوط به منطقه‌ی رواج آن‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف — زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی که خود به دو دسته‌ی شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردند و هریک دارای ادبیات مخصوص خود می‌باشند، که زبان‌های سُغدی و خوارزمی جزو زبان‌های شرقی شمالی و ختنی و بلخی جزو زبان‌های شرقی جنوبی هستند (یعنی سرزمین‌هایی که امروز در محدوده‌ی جغرافیایی ایران نیستند).

ب — زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی که خود به دو دسته‌ی شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند. زبان پارتی یا اشکانی یا پهلوی، شمالی است و فارسی میانه (پهلوی ساسانی) جنوبی است.

از زبان و خط اشکانی جز نوشته‌های کوتاهی بر روی پوست و سکه‌ها و برخی ظروف و یکی دو کتیبه‌ی کوچک که مربوط به دوران خود اشکانیان است، چیزی باقی نمانده است. اما از خط و

زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) خوشبختانه آثار فراوانی به جا مانده که در زمینه‌های گوناگون ادبیات، تاریخ، اساطیر، مذهب، شعر، اندرزنامه و ... نگاشته شده، که غنای فرهنگی ایران و ادبیات گسترده‌ی آن دوران را می‌نمایاند.

خط زبان‌های پهلوی (چه اشکانی و چه ساسانی) از الفبای آرامی اخذ شده بود و دارای اشکالات فراوان از نظر نوشتن و خواندن بود.

آثار بازمانده از این دوره را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد :



الف - آثار کتیبه‌ای: آثار کتیبه‌ای

بازمانده از دوران ساسانیان بسیار است و اغلب در غرب و جنوب غربی ایران امروز باقی مانده‌اند. این کتیبه‌ها برخی دوزبانه، هم به خط پهلوی اشکانی و هم به خط پهلوی ساسانی‌اند و برخی هم سه‌زبانه، یعنی یونانی، اشکانی و ساسانی.

این آثار مربوط به پادشاهان و یا شخصیت‌های سیاسی و یا مذهبی دوران

ساسانیان می‌باشند، مانند: کتیبه‌های اردشیر، شاپور و نرسی و یا کریتر موبد موبدان

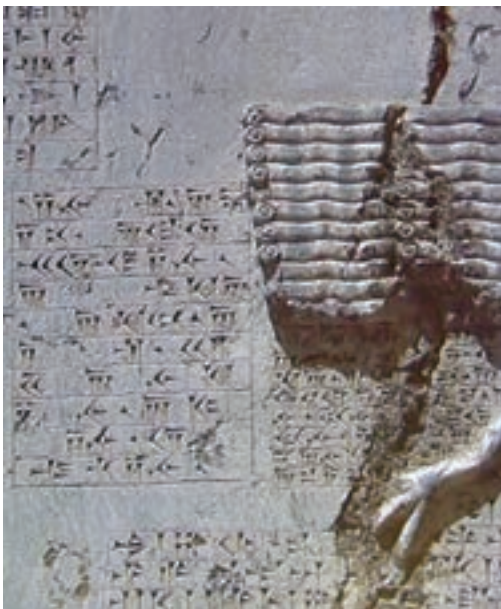
ب - آثار کتابی: آثار کتابی بازمانده

از روزگاران ساسانیان نیز به چند دسته تقسیم می‌گردند:

۱- آثار دینی و تفسیرها و ترجمه‌های اوستا که اصطلاحاً «زند» نامیده می‌شوند.

۲- آثار غیردینی، که از نظر

موضوعی خود شامل موضوعات مختلفی شامل فرهنگ لغت، دانش‌نامه، متون فلسفی و کلامی، الهام و پیشگویی، ادبیات حماسی، مناظرات، متون تاریخی و جغرافیایی، متون حقوقی و قوانین شرعی و رساله‌های کوچک در موضوع‌های مختلف می‌باشند.



مهم‌ترین این آثار، بدون در نظر گرفتن موضوع، عبارت است از :

- ۱- «دینکرت» یا احکام و شرایع دینی که یکی از بزرگ‌ترین آثار بازمانده به خط پهلوی است.
- ۲- «بندھش» یا آغاز آفرینش، که در بردارنده‌ی سی و شش فصل و موضوع آن آفرینش و تاریخ و داستان‌های اساطیری است.

- | | | |
|--------------------------|-----------------------------|--------------------------------|
| ۳- «گزیده‌های زادِ اسیرم | ۴- رادستان دینی | ۵- نامه‌های منوچهر |
| ۶- روایات پهلوی | ۷- شکند گمانیک و یچار | ۸- ارداویراف‌نامه |
| ۹- زند و هومن یسن | ۱۰- جاماسب‌نامه | ۱۱- گجستگ ابالیس |
| ۱۲- یادگار جاماسپی | ۱۳- یادگار بزرگمهر | ۱۴- اندرزهای آذربادمهر اسپندان |
| ۱۵- اندرز اوشنر دانا | ۱۶- مینوی خرد | ۱۷- یوشت فریان و اخت جادو |
| ۱۸- درخت آسوریک | ۱۹- کارنامه‌ی اردشیر بابکان | ۲۰- شایست نشایست ؛ |

هم‌چنین ده‌ها کتاب دیگر که هریک بازگوکننده‌ی فرهنگ و ادب، تاریخ و اساطیر، شعر و ادب، لغت و ... ایران پیش از اسلام می‌باشد. بسیاری از این کتاب‌ها به زبان‌های معتبر دنیا و برخی نیز به فارسی ترجمه شده‌اند.

دو کتاب «درخت آسوریک» و «یادگار زیران» نیز وجود دارد که از آثار دوره‌ی اشکانی بوده و در زمان ساسانیان به پهلوی ساسانی بازنویسی شده‌اند. یادگار زیران از نظر محتوی و سبک نگارش می‌تواند نخستین تعزیه‌ی ایرانی به‌شمار آید.

آثار ادبی - مذهبی دیگر مربوط به دوران ساسانیان

در کنار آثار بازمانده‌ی مربوط به دوران ساسانیان، باید به ادبیات مربوط به دین مانی و مانویان نیز اشاره کرد. مانی که خود را پیامبر می‌دانست در سال ۲۱۶ میلادی در بین‌النهرین زاده شد. روز تاج‌گذاری شاپور اول ساسانی به حضور وی رفت و کتاب «شاپورگان» را به وی اهدا نمود و اجازه‌ی تبلیغ رسمی آیین خود را از وی کسب کرد. مانی برای این که بتواند عقاید و آرای خود را به‌سادگی در اختیار همه‌ی مردم بگذارد خطی ابداع کرد که مشکلات خط پهلوی را نداشت (هر چند الفبای آن مأخوذ از خط پهلوی یا مشابه آن بود) و افزون بر آن نقاشی را نیز به خدمت گرفت و کتاب‌ها و نوشته‌های خود را مصور نمود شاید این اولین بار بود در دنیا که تصویرگری در خدمت کتابت درآمد. کار دیگر وی آن بود که عقاید و آرای خود را به زبان همان مردمی که برای آنان تبلیغ می‌کرد بیان می‌نمود. از این‌رو آثار بازمانده‌ی مانوی به اغلب زبان‌های ایرانی میانه مثل اشکانی، سُعدی، پهلوی و ساسانی تهیه شده و مقداری از آن‌ها هنوز هم موجود است. اینک به معرفی کوتاه برخی از آثار وی

که در کتاب «الفهرست» اثر ابن ندیم آمده است اشاره می‌کنیم :

۱- ارژنگ یا ارتنگ ۲- شاپورگان ۳- انجیل زنده ۴- گنج زندگان ۵- فرقاطیا ۶- رازها
۷- کاوان (غول‌ها) ۸- نامه‌ها ۹- زیور. بخش‌هایی از برخی از این آثار در کشفیات اوایل قرن بیستم
در ناحیه‌ی تورفان، ایالت سین کیانک چین به دست آمد که مقداری از آن‌ها به زبان‌های انگلیسی،
آلمانی، فرانسوی و فارسی ترجمه شده و برخی به نثر و برخی به شعر است. در این کتاب‌ها، به
افسانه‌ی آفرینش و دستورهای دینی و غیره پرداخته شده است.
اینک به نمونه‌ای از فرگردهای وندیداد توجه کنید.

فرگرد اول از وندیداد :

۱- گفت اهور مزدا به سپی تمه زرتشت : من آفریدم ای سپی تمه زرتشت جایی رامش بخش را
نبود هیچ جا شادی اگر هر آینه من نمی‌آفریدم ای سپی تمه - زرتشت جای رامش بخش را پس همه‌ی
مردم جهان آستومند* ایران ویج* را فراز می‌شد.

خودآزمایی

- ۱- زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی را نام ببرید.
- ۲- زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی را نام ببرید.
- ۳- انواع آثار ادبی بازمانده از دوران ساسانی را نام ببرید.
- ۴- کتب غیردینی دوران ساسانی در چه مقولاتی بودند؟
- ۵- بند هش چند باب است؟
- ۶- از مجموعه‌ی کتب دوران ساسانی ۵ کتاب را نام ببرید.

ارداویراف نامه

کتاب ارداویراف نامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی، از نوشته‌های دوره‌ی ساسانی است که در آن سیر و سفر در جهان دیگر و آگاهی از پاداش نیکوکاری و بادافره* بدکاری از دوره‌های کهن، اندیشه‌ی بشر را به خود جلب کرده است. گرچه در مذاهب توحیدی نیز به این مسائل اشاراتی شده است اما هیچ‌کدام همانند سیر و سفر ارداویراف مقدس نبوده، تا آن جا که بعد از هزار سال داتته نویسنده‌ی مشهور ایتالیایی کتاب معروف خود کمدی الهی را از روی همان کتاب نوشت.

ارداویراف مرد پاک و پرهیزگاری است که پیشوایان و موبدان دین زرتشتی او را برگزیدند تا سیری در جهان دیگر بکند و از روان درگذشتگان* آگاهی به دست آورد. این سیر معنوی در پیشگاه پیشوایان، از در آتشکده‌ی فرن بغ (یکی از آتشکده‌های مهم ایران) آغاز گردید. ارداویراف که در تمام عمر گناهی مرتکب نشده بود به حکم قرعه برای سیر انتخاب شد. او پس از شستن تن و پوشیدن جامه‌های نو، بر بستر پاک آرמיד و روان درگذشتگان یاد کرد و وصیت نمود و سه جام منگ (نوشابه‌ی تخدیری) گشتاسبی از پیشوایان دین گرفت و نوشید و اوراد* خاصی خواند و به خواب رفت و مدت هفت شبانه‌روز به همراه دو فرشته طبقات بهشت و دوزخ را بازدید کرد، همه‌ی نیکوکاران و بدکاران را دید و پیام آن‌ها را در روز هفتم به هم‌کیشان خود باز آورد.

نمونه‌ای از کتاب ارداویراف نامه

فرگرد ۱۳: دیدم روان زنان بسیار نیک‌اندیش، بسیار نیک‌گفتار، بسیار نیک‌کردار فرمانبردار را، با پوششی آراسته به زر و سیم و گوهر، که مطیع شوهران خود بودند.

* پرسیدم، ایشان کدام روانند.

* سروش پاس و ایزد آذر، گفتند این روان آن زنان است که به گیتی آب، آتش، زمین، گیاه،

گاو، گوسفند و همه‌ی آفریدگان نیک اورمزد را خشنود کردند.

* ایشان، مراسم دینی و مراسم نان مقدس را به جای می‌آوردند، ورد می‌خواندند و ستایش

ایزدان مینو و ایزدان گیتی می‌کردند و خوشنودی و یگانگی و ترس آمیخته با کرنش و فرمانبرداری از شوهر خود می‌کردند و به دین مزدیسنان، بی‌گمان بودند.



* در درستکاری کوشا، و از نادرستی گریزان بودند.

* مرا زیبا و با شکوه به نظر آمد.

ایاتکار زیریران (یادگار زیریران)

پس از اوستا، نخستین کتابی که برای گردآوری قسمتی از روایات ایرانی نگاشته شده و مربوط است به قرن سوم پیش از میلاد (عهد اشکانیان)، «ایاتکار زیریران» است. این کتاب از پهلوانی‌ها و دلاوری‌های ایران پیش از اسلام سخن می‌گوید. باید گفت که تا سال ۱۹۳۲ میلادی از این کتاب اطلاعی در دست نبود، لیکن در همین سال «بنونیست»^۱ ثابت کرد که کتاب حماسی «ایاتکار زیریران» منظوم است و نه منشور*.

یادگار زیریران مربوط است به «زیریر» برادر گشتاسب، جنگ‌ها و دلاوری‌های او. از ظواهر امر چنین برمی‌آید که منظومه‌ی یادگار زیریران بر اثر وارد کردن کلماتی برای توضیح و تفسیر از اصل خود دور افتاده و اگر آن کلمات و زواید حذف گردد، اشعار شش‌هجایی متعلق به دوران اشکانیان به‌دست خواهد آمد.

یادگار زیریران، منظومه‌ای مذهبی و قهرمانی است و گاهی مضامینی همانند شاهنامه در آن دیده می‌شود. لیکن از لحاظ بیان احساسات و توصیف احوال از اسلوب زمان خود یعنی ادبیات دوران اشکانی پیروی می‌کند.

۱- بنونیست Benneveniste محقق و پژوهشگر قرن بیستم میلادی است.

خلاصه‌ی داستان یادگار زیران چنین است :

پس از ظهور زردشت، گشتاسب و پیروان او به دین بهی درآمدند. ارجاسپ پادشاه خیونان از این امر آگهی یافت و سخت برآشفته و دو تن از نزدیکان خود یعنی «ویدرفش جادو» و «نام خواست» پسر هزار را نزد گشتاسب فرستاد و از او خواست تا ترک آیین جدید کند. گشتاسب نپذیرفت و به درخواست برادر کوچک‌تر خود «زریر» قرار جنگ با ارجاسپ را گذاشت. در این جنگ «زریر» پس از دلاوری‌های زیاد کشته شد و پسر او به نام «بستور» به کین‌خواهی پدر ویدرفش را به قتل رسانید. سرانجام بستور با کمک و همیاری «سپنددات» پسر گشتاسب و «گرامیک کرت» پسر جاماسپ، سپاه توران را شکست داد و ارجاسپ به توران گریخت.



اکنون برای آشنایی بیشتر و بهتر، قطعه‌ای از این کتاب را می‌خوانیم :

ویشناسپ به زریر فرمان داد : بکوه بغان - آتش بفرمای کردن - به شهر و پهلوانان - بگوی که جز مغ مردان - که آتش بهرام - ستایند و نگاه دارند - از ده تا هشتاد سال - هیچ مرد به مپاید* -

چنان کنید که دو ماه دیگر - به درگاه ویشناسپ آید - اگر نیاید و به درگاه مباحثید - آن گاه شما را بدار - بفرماییم کرد - پس همه‌ی مردم - به درگاه ویشناسپ شاه - به سپاهی آمدند - **تُومَبَک*** و شیپور بزدند - و در سه تخمک* بانگ کردند - کاروانی پدید آوردند - پیلبانان بر پیل رفتند - شتربانان با شتر - و ورتین دار به ورتین* - تَبَرک‌ها بسیار بود - کیش‌ها* پر از تیر - و بس زره روشن - بس زره چهار کرد* - کاروان ایران چندان بود - که بانگشان بر آسمان - و پای به دوزخ می‌شد - گذرگاه‌ها بیربند - آب‌ها بیاشفتند - ایدون* که تا یک ماه - آب خوردن نمی‌شایست - به روز روشنی نبود - مرغ نسیم* نمیدید - و چنان بود که براسبان - و بر تیغ نیزه‌کان - و بر سستیغ کوه - شب از روز پیدا نبود.

کارنامه‌ی اردشیر بابکان

اثر حماسی معروف دیگری که از عهد پیش از اسلام باقی مانده و حاوی قطعات حماسی مهمی است کتاب «کارنامه‌ی اردشیر بابکان» است.

اهمیت این کتاب در این است که اساس و شالوده‌ی شاهنامه‌ی فردوسی را تشکیل می‌دهد.

بند ۱۳ تا ۱۹ فصل ۲: روزی اردوان؛ سواران و اردشیر به نخجیر شد. گوری اندر دشت بگذشت. اردشیر و پسر بزرگ اردوان از پس آن گور تاختند و اردشیر اندر رسید و تیری ایدون* بگور زد که تیر تا پر بشکم اندر شد و از دیگر سوی بگذشت و گور بر جای بمرد. اردوان و سواران فراز رسیدند و از چنان زَئِش* بدان آیین شگفتی نمودند. اردوان پرسید که این زَئِش که کرد؟ اردشیر گفت که



من کردم، پسر اردوان گفت که نه چه من کردم. اردشیر به خشم آمد و پسر اردوان را گفت که هنر و مردانگی به ستمگری و بی‌آزرمی* و دروغ و بیداد به خویش بستن نتوان، این دشت نیک و ایدرگور بسیار، من و تو ایدر دیگر آزمایش کنیم و دلیری و چابکی پدید آوریم.

هذ

هلاکوخان پس از فتح بغداد دستور داد :
تجّار را سرمایه دهند تا از بهر او بازرگانی کنند،
و مشایخ و وعاظ، گدایان و قلندران، شاعران
و قصه‌گویان را حکم کرد تا در شط غرق کنند و روی
زمین را از خبث ایشان پاک گردانند.

عبیدزاکانی

خودآزمایی

- ۱- یادگار زریران چندمین کتاب ایرانیان است؟
- ۲- این کتاب درباره‌ی چه چیزی سخن می‌گوید؟
- ۳- قطعه‌ی یادگار زریران نوشته شده در این درس را به صورت دکلمه برای هم کلاسی‌ها اجرا کنید.
- ۴- کارنامه‌ی اردشیر بابکان چه تأثیری در شاهنامه‌ی فردوسی داشته است؟
- ۵- قطعه‌ای را که از کارنامه‌ی اردشیر بابکان در این درس خواندید، به نثر امروزی بنویسید و در کلاس بخوانید.

فهرست منابع

- ۱- ذوالفقاری حسن؛ زبان و ادبیات عمومی
- ۲- ستوده، غلامحسین؛ مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی
- ۳- کشاورز، کریم؛ هزار سال نثر پارسی
- ۴- همایی، جلال‌الدین؛ تاریخ ادبیات



نمونه‌ای از معماری اسلامی
سر در مسجد جامع یزد